

فریب و اغواه گری پاکستان

در قبال کشور ما پیگیرانه دنبال میشود!

میگویند در سیاست دوست و دشمن دائمی وجود ندارد. اساس سخن و مطلب و معیار در مصالح و منافع است. اینکه کی با کی در کدام مراحل و در کدام موارد و چی چیزی منافع و مصالح مشترک دارد، تعیین کننده میباشد. به فهم من این فورمول به ذات خود کدام مشکل اساسی ندارد و قابل فهم نیز است. مشکل زمانی بروز میکند که این مصالح و منافع غیر انسانی باشند. بلی اصل مصلحت و منفعت خوب و انسانی همان منفعت است که در منافعات به منفعت و مصلحت مشروع ثالث قرار نگیرد. مصلحت و منفعت شخص و یا مجموعه ثالث را تلف نکند. اینکه عزت، شرف و آبادی خویش را در بی عزتی، بی حرمتی و خرابی دیگری جستجو کنند ایجادگر مشکل، غیرقابل قبول و غیر انسانی است.

مسلم این است که مردم پاکستان و مردم منطقه در طول تاریخ با تمدن، فرهنگ و تاریخ مشترک درین خطه زندگی کرده اند، کارنامه ها و تاریخ فرنگی مشترک دارند. جدا کردن این افتخارات و دست آوردهای خوب مشترک تقریبا ناممکن است. اما روش و عمل کرد های دولتی به نام پاکستان مانند غده سلطانی که عمرش حتی کمتر از یک قرن است در تمام مدت موجودیت خویش مشکل افزای و مصیبت بار برای ملت خود، منطقه و امرصلح بوده و است. مردم ما درین راستا بیشتر از همه ضرریده و قربانی داده اند.

بلی کشوری به نامی پاکستان کشوری است که بر سر زمین بیگانه به صورت غیر طبیعی مانند حایلی بین آبر قدرت های وقت ایجاد شده و حکماء این کشور از همان آغاز بوجود آمدن خویش مانند یک پدیده نامیمون سبب قتل، غارت و کشتارهای بیرحمانه انسانها و تباہی گردیده اند.

مشکل عده و مرکزی دولت پاکستان با افغانستان از همان آغاز ایجاد این دولت مسأله خط غیر مشروع و نام نهاد دیورند بوده که از موجودیت آن به صورت غیر قابل پذیرش و خلاف تمام نورمهای بین المللی و به اثر وضع که دولت پاکستان خلق کرده و پیگیرانه آنرا ادامه میدهد ۱۷ سال میگذرد. بلی این وضعیت، موجودیت خط غیر مشروع دیورند، حرص مادی و غیر انسانی نظامیان و جنرالان پاکستانی این کشور را به صورت پیگیر و دوامدار نه گذاشته است و نمی گذارد که دولت مستقل، قوی و متکی به خود را در افغانستان ببیند و یا پذیرد.

زماداران و پالیسی سازن اصلی پاکستان گاهی با بوجود آوردن نیروهای مختلف مسلح افغانستان و گاهی هم با استفاده از مبارزات و مبارزین برحق مردم افغانستان در طول تاریخ موجودیت خویش استفاده های نامشروع برده اند و میبرند.

زمانی و در بخش از کشور های غربی و به نظر بعضی از محلین سیاسی تأکید برین بوده که روش حکومت ملکی امروزی حاکم در پاکستان از خط و روش پالیسی سازان اصلی پاکستان (ای اس ای) جدا است. چنانچه مسؤولین مهم امنیتی و سیاسی حکومت امروزی پاکستان بعد از به قدرت رسیدن آقای آصف علی زرداری درپاکستان به این موضوع صریحاً اعتراف داشته اند (از جمله سفیر پاکستان در امریکا در حدود شش ماه قبل در مصاحبه به رادیو صدای امریکا - بخش پشتون). واقعیت چنین است که ای اس ای پاکستان درموراد مهم و اساسی تمام معلومات و برنامه های شان را در اختیار حاکمین ملکی قرار نمی دهد و مانند دولت درین دوامدار و مستقلانه عمل میدارند و زمانی هم برای تحقق بخشی از برنامه های خویش از دولت ملکی استقاده برده و زمانی هم جنرال مقاعده حمید گل را سخن گوی خویش ساخته و گفتنی های خویش را از دهن وی برای جهان به نمایش میگذارند.

بخشی از محلین سیاسی تأکید برین دارند که گویا غرب نباید این متحد خویش را یعنی حکومت ملکی پاکستان را با برخوردها غیر حساس از خود براند. تأکید برین بوده که گویا پاکستان سهم فعل در مبارزه بر علیه افراطیگری را دارد.

مسلم این است که قربانی تجاوز و افراطی گری مردم این خطه و مردم صلح دوست جهان اند. اما پالیسی سازان و تاجران خون و نفرت همیشه ازین وضع به شمول حکماء اپاکستانی منفعت مادی بس عظیم برده اند و میبرند. بلی اینها بسیار ماهرانه و استدانه از جامعه جهانی و در رأس امریکا با پرچون فروشی متعاقع به نام اکستریمیزم و افراطی گری جزیه میگیرند.

سوال اینجا است که آیا عملیات نظامی مسلحانه بی سر و بی پاء نظامیان پاکستان در مناطق معین قبایلی پشتوستان که قبل از همه به کشتن، بستن و خانه خرابی های انسانهای بی گناه آنجامیده و این تیاتر نظامیان پاکستان سبب شده تا

هزاران انسان بی گناه از خانه و کاشانه شان رانده شده، و این نظامیان پاکستانی توانسته اند هر حرکت و شخصیت ملی و وطن خواه مردم پشتون و بلوج را تحت نام و بهانه مبارزه عليه تروریزم سرکوب کرده و هر حرکت و شخصیت که خارج از چینل و مسیر پاکستان به مذاکره و تفاهم نیک بین خویش و یا جانب افغانی حاضر و یا تمایل نشان داده است تزور و یا زندانی گردیده و را میتوان مبارزه عليه تروریزم و اکستریزم نامید؟ به برداشت و تحلیل من نه این جزء پیگیری اهداف ستراتیژیکی پاکستان و پُرکردن جیب های حکما آن کشور چیزی دیگری نیست.

سوال مطرح است تاکی این سیاست دور رویه، سیاست فریب کارانه پاکستان ادامه خواهد داشت و مردم منطقه و جهان قربانی خواهند داد؟

کی و بالاخره چه زمانی به این تجارت اشک و ماتم، خون و قتل که قربانیان آن مردم بی گناه منطقه و جهان اند و توسط نظامیان پاکستان ماهرانه به پیش برده میشود، خاتمه داده خواهد شد؟

چی وقت نقاب ها ازین چهره ها برداشته خواهد شد؟ ورسالت ما درین راستا چی است؟ چی کارهای است که باید اجرا شود چی وقت ازین تجارت غیر انسانی جلوگیری میشود؟ این و دهها سوال که بدون جواب دقیق و درست به آن ادامه ترازیدی مردم ما، مردم صلح دوست جهان و مردم بی گناه منطقه ما خواهد بود.

بلی افغانی ساختن مساله افغانستان و حل مسائل افغانی توسط خود افغانها یکی از راز های سخن و حل مشکل است که پاکستان آنرا نیز درک کرده و با ایجاد موانع در برابر تحقق آن نمی گذارد مشکل افغانستان، منطقه و صلح کماحقه و هرچه زودتر بدون اولویت دادن و بدون حفظ اهداف ظالمانه دولت پاکستان حل گردد.

آیا با وجود سیاست به جان انداختن افغانها و تشید جنگ و برادر کشی در منطقه و افغانستان، میتوان دولت پاکستان را متخد خوب انسانیت و عضوی نیک جامعه نیک بشمری دانست و یا خواند؟ جواب من به صورت قطع و واضح است که نه.

بلی پالیسی سازان پاکستان با فریب و نیرنگ و داشتن کدر کافی در حلقات مختلف دولتی افغانستان و محلات به غرب و جامعه جهانی فریب میدهد. بلی پاکستان به کشور های جهانی و تاثیر گذار در سیاست جهانی در رأس ایالات متحده امریکا با فریب تأکید دارد: که شما در منطقه باقی نه خواهید ماند و ما باید برای روز مبادا باید نیرو های معین حتی خارج از چوکات دولتی را در اختیار داشته باشیم که مانند ژنرال منطقه از آنها در برابر روس، ایران و یا هم هر حرکت که لازم باشد استقاده بداریم.

مقاومت و مخالفت صریح چندی قبل صدراعظم برحال پاکستان در برابر تدویر محکمه سازمان دهان اعمال تروریستی سال گذشته در هند که حلقات رهبری آی اس ای پاکستان را تشکیل میدهند، ایجاد موانع در تأمین صلح و مساعدت به امرتکر و دهشت نه به خاطر تحقق اهداف انسانی بلکه بخاطر تحقق اهداف ستراتیژیک شان در افغانستان و منطقه، و اخیراً تلاش پاکستان برای کسب سهم بیشتر در سرنوشت افغانستان، ترور و زندانی ساختن افراد و شخصیت های که برای تفاهم و مذاکره بین الافغانی خارج از چینل های پاکستانی اظهار آمادگی و عمل نموده اند، و بالاخره تلاش های اخیر مبنی بر مانع از تشکیل نیرو های نظامی و متکی به خود شدن افغانستان و بالاخره افغانی شدن مسائل و حل افغانی مسائل نمونه های از عمل کرد های است که بر ادامه سیاست فریب و اغواگری پاکستان در برابر افغانستان و جامعه جهانی به صورت صریح دلالت میکند.

بلی پیشنهاد و طرح اخیر پاکستان مبنی بر استقاده و به کار گیری نیرو های مسلح کشور های اسلامی در افغانستان بعد از سال ۲۰۱۴ تلاش است که اهداف نادرست و سیاه حلقات نظامی پاکستان را در قبال افغانستان کما کان در بردارد. نقطه مرکزی و هدف اساسی این طرح پاکستان در واقعیت تلاشی است برای در حاشیه قراردادن برنامه و تشکیل، نیروی مسلح افغانی. نیروی که به فهم پاکستان در مراحل بعدی از حقوق حقه مردم خویش دفاع کرده خواهد توانست. نیروی که نخواهد گذاشت اهداف شوم دشمنان وطن در افغانستان موفق شود. نیروی که از اولاد وطن، مصالح و منافع کشور ما دفاع کند....

شواهد مؤثق درست است که با پول های کمک شده غرب برای پاکستان تحت نام مبارزه عليه تروریزم پاکستان توانست سلاح های متعدد و راکت های با بُرد که سرحدات بخشی از کشور های شرق میانه و از جمله اسرائیل و عربستان سعودی میرسد، تهیه داشته و در اختیار دارد. اگر قرار باشد که امنیت پاکستان توسط کشور هند رقیب وی تحت خطر قرار میگیرد باید گفت که هند همسرحد پاکستان است، پس ساختن، اکشاف و بکار گیری ممکن این راکت های پاکستانی با این بُورد طولانی چه ارتباط به مبارزه عليه تروریزم و حمایه ای شان از خطر هند دارد؟

تحلیل های معین سیاسی تأکید دارند که سلاح اتومی پاکستان در واقعیت سلاح اتومی عربستان سعودی و این راکت های پاکستان برای حفاظت و در واقعیت راکت های اند برای اهداف عربستان سعودی. تصادفی هم نیست که حلقات معین حکومتی در عربستان سعودی در تلاش بازگراندن آقای نواز شریف بر اریکه قدرت در پاکستان اند.

بلی پاکستان همچنان تلاش را برای رهبری و زعامت منطقی و به نحوی زعمات جامعه اسلامی کار میکند و درین راستا تلاش دارد که ضرورت موجودیت واهمیت خویش را با درتشنج باقی ماندن منطقه و جهان حفظ کند.

بلى شواهد نشان ميدهد که پاکستان در برابر افغانستان برنامه های الحق مناطق معين اين کشور را به خود دارد. طرح های کندرالي و یاهم پاکستان و افغانستان در همین چوکات و برنامه های پاکستانی پيکش و دامن زده ميشوند.

بلى برای تحقق اين کار بخش از حرکات و سازمانهای قوم گرا و متصرف را در شمال افغانستان نيز تمويل ميدارند. شواهد، مسافرت ها و تعهدات پاليسى سازان پاکستان به عده اي از رهبران و قومدانان مطرح افغانی وبخش مطرح آن حتی در شمال کشور ما در سالهای نود قرن گذشته و بعد از آن شاهد اين برنامه های است که عده متاسفانه همین حالا هم نا آگاهانه و بدون خواست خويش در خدمت اهداف ستراتيژيکي فوق پاکستان قرار داده شده اند. واي بر حال چنین اشخاص، حرکات و سازمانها با چنین کوتاه نظری و برخورد غير افغانی و غير وطني بر قضایا. باید به خاطر داشت که مردم افغانستان در فرصت مناسب به حق اين عمل بربادی وطن خواهد رسید.

بلى شواهد و قراین انکار ناپذير نشان ميدهد که پاليسى سازان اصلی پاکستان با دامن زدن تفرقه های قومی و برای حق تلفی در حق كتلله بزرگ از افغانها با مساعدت به افکار فاشیستی و قومی گرایی و مجریان این سياست ها در افغانستان زمينه تسلط دایمى خويش را در مناطق پشتون و بلوج آماده ساخته اند. بلى حق تلفی در حق كتلله بزرگ از هموطنان ما به نام قوم و محروم ساختن ايشان از قدرت دولتی و عمل شکلی بودن شان در قدرت واداره دولتی افغانستان خاصتا در ده سال اخير آب به آسياب پاليسى سازان پاکستانی ريخت و ميريذ. تعجب آور و آغواي جهان و مردم جهان و از جمله پشتونهای منطقه ازین بيش نیست که آفای پرويز مشرف در زمان زمامداری خويش و حکومت پاکستان همین حالا از حق تلفی در حق مردم پشتون ها در افغانستان سخن ميزندو بهره برداری سياسي ميکند. شواهد نشان ميدهد که پاليسى سازان پاکستان نه در غم پشتون و نه هم در غم اسلام اند. أنها صرف و صرف برای اهداف ستراتيژيکي خويش و برای پُرکردن جيب های خويش از هر وسیله مشروع و نامشروع استفاده ميريذ و عدهء از افغانها نيز عملا با سياست های غير وطني و يا هم ناخود آگاه در خدمت شان قرار گرفته اند.

بلى شواهد چنین نشان ميدهد که پاليسى سازان اصلی پاکستان ماهرانه از جامعه جهانی و امریکا جزیه میگیرند. بلى عین پاليسى و عین روش کماکان استفاده ميشود و اى اس اى پاکستان در موارد زيادي حکومت ملکی پاکستان در روشنی كامل قرارنداهه و به اين ترتيب حتى حکومت ملکی پاکستان، مردم خويش و جامعه جهانی را ماهرانه با فریب و فتنه جدید مواجه و روپرو میسازند. بلى پاکستان تلاش دارد تا افغانستان به پاي خويش استاده نه شده و مردم افغانستان در کشور خويش بر خود مسلط نه شده و سرنوشت خويش را دردست بگيرند.

قرار راپورهای تربیيون اکسپرس پاليسى سازان پاکستان و اخیراً اقای اصف على زرداری رئيس جمهور (اداره ملکی؟!) پاکستان در امريكا حين ملاقات با آقای باراک اوباما (۱۵/۰۱/۲۰۱۱ قصر سفید) در مورد پاليسى امريكا در برابر افغانستان چانه زنی های (!?) داشته و در واقعیت خواهان سهم بيشتر پاکستان در سرنوشت افغانستان به بهانه های مختلف، مستقيم و غير مستقيم شده اند.

نیرو های مسلح افغانی که فعلا به ۱۵۰ هزارن رسانید و قرار است تا اخير سال به ۱۹۰ هزار برسد برای پاليسى سازان پاکستان موجب تشویش و نگرانی شده. ما میدانیم که نیروی افغانی موجب تشویش و نگرانی پاکستان به صورت عمده همانا موجودیت خط غیر مشروع دیورند است که ۱۱۷ سال از موجودیت آن میگذرد.

مسلم اين است که با وجود اينکه پاليسى سازان تحت نام مبارزه عليه تروریزم هر حرکت و شخصیت ملی پشتون و بلوج را خاصتا درین دهه اخیر تحت نام مبارزه عليه تروریزم ناپد کردند اما باز هم از داعیه برحق مردم پشتون و بلوج در حراس اند و نمی خواهد در افغانستان مردم به سرنوشت خويش مسلط شده و داعیه برحق مردم و تلاش شان برای رسیدن به صلح پايدار در افغانستان قوت گرفته، تحقق يابد.

بلى پاکستان (۱۴/۱/۲۰۱۱) بعد از سال ۲۰۱۴ برای افغانستان حضور عساکر بعضی از کشور های اسلامی بى طرف (!?) را مانند مالیزیا، اندونیزیا و بنگلہ دیش را سفارش دارد و به اين ترتيب از به پاء استادن افغانستان و متکی شدن به خود را به نحوی ضعیف وبا هم در حاشیه قرار دهد. کاري که در طول سالهای طولانی اجراء نموده و موقفانه عملی کرده است.

پاکستان بهانه میاورد که گویا نیرو های مسلح افغان جوان و در آن قوم پشتون حضور لازم ندارند و این دو عامل سبب خواهد شد که بعد از سال ۲۰۱۴ مشکلات مردم افغانستان بيشتر شود و اين نیروی نظامی از عهده اجرای وظایف محوله بدر آيد.

سؤال درين جا است اگر کسی قصد کمک به مردم افغانستان را دارد چرا باید به سال ۲۰۱۴ انتظار کشيد. آيا با آمدن نیروهای نظامی کشور ها اسلامی که پاکستان پیشنهاد آنرا درين مقطع مطرح ميکند مساله و مشکلی ملی بودن و عدم ملی بودن اردوی افغانستان را حل خواهد کرد؟ واقعیت چنین است و تمام شواهد نشان ميده که پاليسى سازان اصلی پاکستان با درک اين واقعیت که جامعه جهانی مصمم است که اردو و قوای امنیتی افغانی را ایجاد و تقویت خواهد کرد و اين برنامه را روی دست دارند. به همین ملحوظ درين مقطع زمانی پاکستان میخواهد ازین طریق از بوجود آمدن نیرو های مسلح افغانی جلوگیری نموده و کینه شان براین افغانستان متکی به خود کما کان ادامه دارد. بلى پاکستان چطور خواهد گذاشت که افغانستان دارای قوای مسلح و متکی امنیتی به خود باشد

در حالیکه عده از رهبران سیاسی آن کشور (آقای نواز شریف صدراعظم وخت پاکستان) به از بین بردن و تارما رساختن اردوی افغانستان در سالهای نود قرن گذته علناً مباحثات داشته و ازین کار کرد خود به نفع پاکستان بهره برداری کردند.

به فهم من بر مسؤولین امور در افغانستان و آنهایکه برای منافع و مصالح کشوری میانشند و در افغانستان خواهان پایان دادن جنگ و ماتم اند و نمی خواهند دست شان دیگر به خون مسلمانان و آولاد وطن آغشته باشد، است تا اردوی ملی، غیر سیاسی که مشکل از تمام افسار و ملیت های مردم افغانستان باشد ایجاد بدارند. اردوی که غیر سیاسی و غیر قومی و برای دفاع از منافع و مصالح کشور ایجاد و تقویت گردد. اردو وقوای مسلح که دستیرو مراجع مشروع سیاسی کشور را برای حفظ و نگهداری کشور و حمایة قانون و حاکمیت مردم تحقق و در عمل پیاده بدارد.

اردوی و مراجع امنیتی کشور باید توسط افراد رهبری شوند که مردم به وطن دوستی و خدمت گاری شان برای افغانستان معتقد باشند. مسلم است عده که در رهبری این ادارات به عملی کردن سترانیزی های حزبی و سنتی خویش مصروف اند میتوانند ضرر های را به کشور و مراجع امنیتی و نظامی کشور مواجه سازند که مشروعيت این ادارات را مورد سوال قرار داده و برای اهداف دشمنان و خاصتاً پالیسی سازان پاکستانی عمل خدمت خواهند کرد. ضرورت است تبارای ساختن جامعه مدنی و قوای امنیتی و اردوی کار کرد که بر اساس تابعیت، مراجعات قانون و شایسته و مسلکی بودن خدمت نمایند.

مردم ما چشم و گوش باز، درایت کافی و فهم لازم سیاسی دارند و به دقت درک خواهند کرد که کی ها درین راستا با روش های غیر وطنی در خدمت حلقات خورد قومی و سنتی کار مینمایند و زمینه را برای اجانب و دشمنان افغانستان در سطح ملی و بین المللی آماده میسازند. این نیرو ها و افراد نتایج عمل کرد های بد و نافرجام خود را خواهند یافت. نزد الله تعالی و مردم منفور خواهند شد.

بلی جهان روز به روز کوچک شده و همه ای ما به یک دیگر ضرورت داریم. ما از مساعدت های کفار انس کشور های اسلامی استقبال و خواهان مساعدت کشور های اسلامی میباشیم ، اما بخش از وظایف است که بالاخره باید خود افغانها اجرا و عمل بدارند و خود به پای خود استاده شده، مالک کشور خویش گردند. بلی مشکل افغانستان قبل از همه مشکل سیاسی است و تفاهم نیرو های واقعی سیاسی بر زندگی مشترک در خانه مشترک است بدون تخطی از اصول و برنامه های برحق ما باید صورت گیرد. ما تازمانیکه برای این امر صادقانه کار نه نمائیم مشکل ما حل نه شده و کاری به جای نه خواهیم رسانید.

بر ماست تا حقایق را درک کرده، دشمنان وطن را شناسایی و به موقع دسایس شان را در هر قماش که باشند افشاء و دریک صفت واحد برای اهداف مشترک وطنی کار و ادای رسالت نمایم.

بر ماست تا قبل ازینکه از اعمال و برنامه های شوم و غیر انسانی دیگر ان شکایت کنیم باید خود را جمع و جور ساخته به نیروی مبدل گردیده و به تراژیدی کشور و مردم خود پایان بخشیده و مدد صلح جهانی گردیم. فاعتلروا یا او لابصار

در نو وطن والو اوقد منو لوستونکو! تاسی کولای شی دپاکستانی در اصلی پالیسی سازانو د دوه مخه سیاست په هکله د امریکا غبر داشنا رادیو ۱۵۰۱/۰۱/۲۰۱۱ نیتی دمابنامانی، خبر و اخبار پروگرام په برخه کی ددکتر صلاح الدین سعیدی - سعید افغانی مصاحبه هم واوری.

<http://www.voanews.com/wm/voa/sca/pash/pash1430aSAT.aspx>.